زندگی در جدال آب و حباب

18 اسفند 1400

مروري بر آثار نقاشي طاهره صمدي طاري

طاهره صمدي طاري از جمله هنرمندان معاصر زن ايراني است كه به سبب فعاليت‌هاي مستمر و درخشانش در هنر نقاشي توانسته خود را به عنوان يك هنرمند شناخته‌شده در عرصه هنرهاي تجسمي ايران و جهان مطرح كند و چنين دستاوردي در ميان تاريخ هنرمندان زن اين مرز و بوم امري كم‌سابقه است.

آخرين نمايشگاه انفرادي طاهره صمدي در گالري اعتماد و به سال 1399 برگزار شد كه شامل آثاري متنوع از «مجموعه بي‌ثباتي»، كالكشن جديد هنرمند بودند. در اين مجموعه برخي عناصر نوظهور مانند حباب و آب‌هاي شفاف در آثار او ديده مي‌شوند. اين مجموعه به واسطه تركيب‌بندي‌هاي خاص كه حاصل فضاسازي‌هاي سنگي و شيشه‌اي، كاراكترهاي پرتحرك پيچيده شده در پارچه‌هاي پرچين و چروك، آسمان ابري و آب‌هاي شفاف و پرحباب هستند، وجه جديدي از توانايي‌هاي صمدي را در استفاده از عناصر مختلف براي ساخت مفاهيم ذهني نمايش مي‌دهد. در اين مجموعه كه همچنان ادامه دارد، تعامل ميان موجوديت انسان و فضا، به واسطه انعكاس و شفافيت عناصر، مفاهيم متضادي چون قدرت و ظرافت، استحكام و شكنندگي، حركت و سكون را شكل مي‌دهد كه با رنگ‌پردازي‌هاي غني و نزديك شدن فضاسازي‌هاي محيطي، فيگورها، پارچه‌ها، حباب‌ها و آب‌ها، چشم‌نواز، جذاب، رويايي و در عين حال پرمفهوم است.

با آنكه تمامي عناصر تصويري واقعگرايانه كار شده‌اند، اما قرارگيري اين عناصر در كنار يكديگر فضايي خيالي را شكل داده كه به دليل سكوت حاكم بر فضا و حركات رقص‌گونه كاراكترها خصوصيتي وهم‌گونه و رازآميز نيز دارد. موفقيت اين نمايشگاه كه در زمان اوج‌گيري كووید 19 برگزار شد، امري قابل پيش‌بيني بود چراكه صمدي در برگزاري نمايشگاه‌هاي انفرادي خود همواره از وجهي نو در نقاشي‌هايش پرده‌برداري مي‌كند و به واسطه يكدستي در موضوع و محتوا مجموعه‌اي را به نمايش مي‌گذارد كه چشمان بيننده را اغنا مي‌كند. اين هنرمند از سابقه درخشاني در فعاليت‌هاي هنري و برگزاري نمايشگاه برخوردار است. او اولين نمايشگاه گروهي خود را در سن 18 سالگي و زماني كه درسال سوم هنرستان هنرهاي تجسمي دختران مشغول به تحصيل بود برپا كرد و از آن زمان تاكنون آثارش را در بيش از 50 نمايشگاه گروهي داخلي و خارجي در كشورهايي از قبيل سوييس، انگلستان، امريكا، قطر و دوبي، و همچنين 5 نمايشگاه انفرادي نمايش داده و در 5حراج بين‌المللي از قبيل حراج كريستيز دوبي، ساتبيز لندن و 6دوره حراج تهران شركت كرده است. چاپ آثار او در كتاب‌هاي خارجي چون «ديدگاه‌هايي نو در هنر معاصر ايران» (1) (2009) و كتاب «هنر معاصر ايران»(2) (2013) در انگلستان و همچنين آمدن نام او در كتاب‌هاي فارسي مانند «دايره‌المعارف هنر» (3) و «هنر معاصر ايران: ريشه‌ها و ديدگاه‌هاي نوين» (4)، نشان از جايگاه تثبيت‌شده او به عنوان يكي از هنرمندان فعال و شناخته‌شده امروز ايران دارد. آثار طاهره صمدي به واسطه استقبال منتقدين، مجموعه‌داران، استادان و

هنرمندان خيلي زود توانست به حراجي‌هاي داخلي و خارجي راه يابد. در سال 2008 و زماني كه تنها 27 سال داشت در حراجي ساتبيز لندن خوش درخشيد و يكسال بعد هم در حراجي كريستيز دوبي شركت كرد و به عنوان جوان‌ترين بانوي هنرمند ايراني آثارش حراج شد.

صمدي تاكنون در 11حراج داخلي و خارجي حضور داشته و در عرصه بين‌المللي ركورد 19هزار دلار را در حراجي كريستيز دوبي سالي 2012 در عرصه بين‌المللي و در سيزدهمين دوره حراج بزرگ تهران در سال 99 نيز ركورد 100ميليون توماني را براي يك اثر 140×200 سانتي‌متر از آن خود كرده است. اين هنرمند صاحب سبك از اولين نمايشگاه انفرادي خود در گالري دي به سال 1386 مورد توجه منتقدين هنري قرار گرفت؛ نگاه خاص او به فضا، پيكره انساني و برداشت شخصي‌اش از دغدغه‌هاي زندگي در فضاهاي شهري معاصر، مشخصه آثاري بود كه نويد ظهور هنرمندي جوان و بااستعداد را مي‌داد كه در آينده‌اي نه چنان دور در تاريخ هنر معاصر ايران تثبيت مي‌شود و بالواقع كه پس از گذشت 22 سال اين پيش‌بيني به ثمر نشسته است.

رويكرد شخصي طاهره صمدي در آثارش با دغدغه‌هاي وجودي و هويتي آميخته‌اند. شايد ريشه اين نوع از نگاه را بتوان در پايان‌نامه كارشناسي ارشد او كه در بخش نظري زير نظر دكتر محمد ضميران در دانشگاه هنر به انجام رسيد جست‌وجو كرد؛ رويكردهاي اگزيستانسياليسي در نقاشي، عنوان كلي پايان‌نامه او بود كه در بخش عملي، خوانشي نوين را از امر وجودي در تابلوهاي نقاشي‌اي كه زير نظر دكتر مهدي حسيني به اتمام رسيده بود به نمايش مي‌گذاشت. پرسش از هويت، وجود، كنش و فعاليت عملگرا اهم چيزي است كه ذهن مخاطب را در مواجهه با آثار مختلف كاري صمدي به خود مشغول مي‌دارد؛ چه آن زمان كه پيكره‌هاي محو و سايه‌وار را در فضاهاي خاكستري داخلي مشاهده مي‌كنيم و چه در پيكره‌هاي زن‌واره، در هياهوي رفت‌وآمد ترن‌هاي شهري، چه در فضاهاي آينده‌گرا كه با بناهاي سترگ به تنگ آمده‌اند و چه در آخرين آثار هنرمند كه پيكره‌هاي زنان جوان، منفعل در ميان آب و آينه سكنا گزيده‌اند. در تمامي اين آثار آن چيزي كه ذهن را به انديشه فرامي‌خواند اموري چون فردگرايي، بيگانگي، تنهايي، مسووليت، مبارزه، انتخاب و آزادي است كه همان اصول تفكرات اگزيستانسياليستي است كه از تهديد امنيت ناشي مي‌شود و كنشي فعال و ثمربخش را در برابر هستي طلب مي‌كند. اين دغدغه در بيان تجسمي آثار صمدي با رويكردي واقعگرايانه رخ مي‌دهد و در عين حال رو به سوي عالمي خيالي دارد؛ چيزي كه جنس اين آثار را به مرز سوررئاليسم و گاهي اكسپرسيونيسم نزديك مي‌كند هرچند به واسطه بيانگري شخصي هنرمند، در هيچ‌كدام از اين قالب‌ها نمي‌گنجد و جهاني را تجسم مي‌بخشد كه در عين چشم‌آشنا بودن، غريب و حادثه‌خيز است؛ غربتي كه به واسطه آسمان ابري، پيكره‌هاي شبه‌وار و انسان‌هاي تنها نمايان مي‌شود و حادثه‌اي كه در فضاهايي مه گرفته و در حركت ترن‌ها، هواپيماها و ماشين‌ها به تعويق مي‌افتد و پيكره‌هاي نقاشي را به پنهان شدن در زير چترها، يا جست زدن بر فراز آب‌ها وا مي‌دارد. چنين نگرشي از نسبت ميان انسان و عالم برمي‌خيزد، چراكه به واسطه وجود آدمي است كه عالم معنا مي‌يابد و هرچيز، تنها در نسبتي كه با انسان برقرار مي‌كند قابليت بازمعنا شدن را داد. از اين رو در گستره نقاشي‌هاي زيبا و چشم‌نواز اين بانوي هنرمند، هر شي ره به وادي نماد مي‌برد؛ زندگي در كشاكش سرعت دنياي مدرنيته، چون ترني در گذر است و حجم مشكلات و مصائب زيسته، بسان توده ساختمان‌هاي بزرگ، سنگين و سربه فلك كشيده‌اند. در چنين عالمي زن كه تا پيش از اين در تاريخِ زيسته بشر، همواره بسان جنس دوم و منفعل نمايش داده مي‌شد به عرصه هستي فراخوانده

مي‌شود و اين‌بار امكان آن را مي‌يابد كه تغيير دهد، عمل كند و فضا را به اميد صبحي روشن، سرشار از حس لطيفِ بودن سازد.

اين كنش‌گرا بودن زن در عرصه زندگي امروز، ريشه در زن بودن هنرمند و تجربه زيسته او دارد؛ دنياي امروز در كنار تمامي سختي‌ها و پيچيدگي‌ها، عرصه نوظهوري براي زنان است و به همين دليل پرسوناژهاي زن در آثار صمدي بسان مبارزاني قوي و پرتلاش ظاهر مي‌شوند كه جدا از نژاد، قوميت و سن، به واسطه لباس‌هاي خوشرنگ و مد روز خود در تصوير ديده مي‌شوند و بيننده را به ديده شدنِ ظرايفِ وجودي خود فرا مي‌خوانند. اين ديده شدن به دليل پوشيده بودن صورت‌ها با ماسك‌هاي تيره، هويت فردي را از پرسوناژها جدا مي‌كند؛ حتي دست‌ها و پاها با رنگ خاكستري ظاهر مي‌شوند و از جسمانيت مي‌گريزند و بدين‌ترتيب اين‌بار، زن و زنانگي را نه در موقعيت آبژكتيو و شي‌واره، بلكه با رويكردي سوبژكتيو و ذهن‌گرايانه به تصوير مي‌كشند كه امكان همزادپنداري را براي مخاطب در هر مكان و هر زمان دوچندان كرده و او را به ديدن و ادراك بُعد وجودِ انساني خود دعوت مي‌كنند. دقت در اجراي دقيق و پاكيزه اثر نقاشي، با متريال رنگ و روغن سبك خاصي را در نقاشي طاهره صمدي رقم زده كه از رويكرد وسواس‌گونه و ايده‌آل‌گراي نقاش خبر مي‌دهد. فضاسازي‌ها به طرز عجيبي تميز است و دقت در كنار هم قراردادن عناصر مختلفِ خط و سطح، به گونه‌اي است كه هيچ عنصري را نمي‌توان ناديده گرفت يا حذف كرد و بدين جهت كمپوزيسيون‌هاي شكل‌گرفته در اثر، از چنان ساختار قوي‌اي برخوردارند كه دانش تجسمي نقاش را به رخ مي‌كشند. در واقع دنيايي كه صمدي شكل مي‌دهد يك آرمانشهر است كه با وجود مدرن بودن، پيكره انساني را در ساختار خود محبوس كرده و او را به تنگ آورده است. گويي «نيروهاي پنهان» (5) بر فضا حاكم است و «بي‌ثباتي» (6) عجيبي را سبب مي‌شود كه انسان را به حركت، گريز و مبارزه وا مي‌دارد. در چنين فضايي پيكره‌ها چنان مشغول به خود شده‌اند كه فارغ از آگاهي حضور ديگري، به تقابل با فضا برمي‌آيند؛ با عجله گذر مي‌كنند، چتر را بر سر مي‌كشند، به بالا خيز برمي‌دارند، مي‌پرند و بدن را در برابر هجومي ناگهاني سپر مي‌كنند؛ هرچند جنس اين هجوم مي‌تواند به لطافت آب يا شفافيت و شكنندگي حباب باشد. تلاش در جهت ايستادگي و تاب‌آوري همراه با پذيرش خود و ديگري، نويد اميدبخشي است كه مخاطب از مواجهه با تابلوهاي بزرگ و خوش‌رنگ طاهره صمدي دريافت مي‌كند. اميد به فرداي روشن كه در آسمان‌هاي باز و شفافيت آب‌هاي پُر حباب و ساختمان‌هاي شيشه‌اي انعكاس مي‌يابد و لذتي تعليق‌وار را از بودن در ميان آسمان و زمين، يا فرورفتن در آب‌هاي عميق در خاطر زنده مي‌كند. در چنين فضايي تنها بايد به رقصي موزون پرداخت و با آهنگ هستي هماهنگ شد و تلاش كرد طنابي را كه پاي انسان را به علايق، باورها، سنت‌ها، خاطرات و دلبستگي‌ها بسته به دست گرفت و با اقتدار به فرداي روشن انديشيد.

پاورقي

Amirsadeghi, Hossein (2009) . Different Sames: New Perspectives in -1 Contemporary Iranian Art, Tames & Hudson, London, UK.

2- Keshmirshekan, Hamid (2013) Contemporary Iranian Art: New Perspectives, Saqi Books, Great Britain

3 – پاكباز، رويين (1396) دايره‌المعارف هنر (دوره سه جلدي)، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

4– كشميرشكن، حميد (1394) هنر معاصر ايران (ريشه‌ها و ديدگاه‌هاي نوين)، تهران: نشر نظر.

5- نام مجموعه هنرمند
6- نام مجموعه هنرمند